

## مسائل جامعه را نمی‌توان با «بیل و کلنگ‌های ذهنی» درک و حل کرد. (با اندکی تعدیلات)

بیشتر ما بخش عمده‌ای از اوقات خود را صرف گفتگو دربارهٔ مسائل و مشکلات جامعه می‌کنیم اما هیچ نیازی نمی‌بینیم که با ابزارهای ذهنی که صاحب‌نظران و متخصصان این حوزه برای این کار ابداع کرده‌اند آشنا شده و از آنها استفاده کنیم.

دکتر وحید احسانی

مسائل جامعه را نمی‌توان با «بیل و کلنگ‌های ذهنی» درک و حل کرد. (با اندکی تعدیلات)

1 آیا امروزه ممکن است پروژه‌های عظیم عمرانی همچون (تونل، پل، برج و غیره) را با «بیل و کلنگ» اجرا کرد؟! اگر از یک مهندس راهسازی خواسته شود که در میان منطقه‌ای کوهستانی یک جاده احداث کند، مسلماً او برای انجام این کار ماشین آلات پیشرفته‌ای مانند لودر، بولدوزر، چرثقیل، کامیون و غیره مطالبه خواهد کرد؛ هیچ کس هم از این مطالبه او تعجب نمی‌کند، اصلاً کسی انتظاری جز این ندارد. هیچ آدم عاقلی توقع ندارد که چنان پروژه‌هایی را امروزه بتوان با «بیل و کلنگ» اجرا کرد.

[sokhanranihaa@](mailto:sokhanranihaa@)

2 هنگام گفتگو دربارهٔ مسائل و مشکلات جامعه، وقتی تلاش می‌کنید ابتدا «نظریه‌ها»، «چارچوب‌های نظری» و «مفاهیم» لازم جهت بیان دیدگاهتان را توضیح دهید، پس از حد اکثر دو دقیقه پاسخ می‌شنوید که؛ «این حرفها را ول کن، این‌ها مال تو کتاب هاست و به درد دانشگاهی‌ها می‌خوره؛ صاف و پوست کنده دو جمله بگو ببینم منظورت چیه: به نظر تو اوضاع مملکت چه طوری درست میشه؟»!!

3 «اصول و مفاهیم»، «نظریه‌ها»، «مدل‌ها» و... ابزار یا ماشین‌آلاتی هستند که ذهن از آنها برای درک و حل مسائل پیچیده استفاده می‌کند. مسائل اجتماعی، به ویژه معضلاتی که برخی جوامع همچون جامعه ما که قرن‌هاست گرفتارشان هستند، با بیل و کلنگ‌های ذهنی قابل درک نیستند.

4 بیشتر ما بخش عمده‌ای از اوقات خود را صرف گفتگو دربارهٔ مسائل و مشکلات جامعه می‌کنیم اما هیچ نیازی نمی‌بینیم که با ابزارهای ذهنی که صاحب‌نظران و متخصصان این حوزه برای این کار ابداع کرده‌اند آشنا شده و از آنها استفاده کنیم. به نظر تان چند درصد از ما -ولو تحصیل کرده دانشگاهی- که دائماً در حال گفتگو و نسخه پیچی دربارهٔ مهمترین مسائل جامعه هستیم، با مفاهیم و نظریه‌هایی که در کتابهای ذیل‌الذکر آمده‌اند آشنایی کافی داریم؛

از دکتر همایون کاتوزیان:

کتاب: جامعه کلنگی»

کتاب: جامعه کوتاه مدت»

کتاب: چرخهٔ استبداد-هرج و مرج- استبداد»

کتاب: حکومت استبدادی-جامعهٔ استبدادی»

کتاب: شبه مدرنیسم»

کتاب: تئوری توطئه در ایران»

از دکتر سید جواد طباطبایی:

کتاب: انحطاط اندیشه»

از دکتر علی رضاقلی:

کتاب: چارچوب نظری نهاد گرایی» (شامل مفاهیمی مانند «وابستگی به مسیر تاریخی»، «وابستگی به مسیر شناختی»، «مدل ذهنی»، «نظام پاداش دهی اجتماعی»، «ماتریس نهادی» و غیره)

کتاب: جامعه شناسی باز تولید استبداد»

کتاب: جایگاه غارت در جامعه و تاریخ ایران»

کتاب: جامعه شناسی نخبه کشی»

از دکتر داریوش شایگان

کتاب توهم مضاعف»

کتاب: تجددمآبی»

از دکتر حسین مهدوی و دکتر همایون کاتوزیان:

کتاب: دولت رانتهی»

از دکتر فرشاد مؤمنی:

کتاب: متغیرهای سطح توسعه و نقش ابرتعیین کننده آنها»

از دکتر صادق زیبا کلام:

کتاب: ما چگونه ما شدیم»

کتاب: غرب چگونه غرب شد»

کتاب: سنت و مدرنیته»

از دکتر حسین بشریه:

کتاب: گذار به دموکراسی»

کتاب: زمینه های اجتماعی انقلاب در ایران»

کتاب: موانع توسعه سیاسی در ایران»

کتاب: احیای علوم سیاسی، گفتاری در پیشه سیاستگری»

از دکتر محمود سریع القلم :

کتاب: عقلانیت و توسعه یافتگی ایران»

کتاب: فرهنگ سیاسی مردم ایران»

کتاب: اقتدارگرایی در عهد قاجار»

کتاب: اقتدار گرایی در عهد پهلوی»

از دکتر حمید رضا جلائی پور:

کتاب: جامعه شناسی ایران، جامعه کز مدرن»

از دکتر موسی غنی نژاد

کتاب: اقتصاد و دولت در ایران»

از فرانسیس فوکویاما، ترجمه رحمن قهرمان پور:

کتاب: نظم و زوال سیاسی»

از یووال نوح هراری، ترجمه نیک گرگین:

کتاب انسان خردمند: تاریخ مختصر بشر»

از کوین بی. اسمیت، ترجمه بهزاد عطارزاده:

کتاب: درآمدی نظری بر سیاست عمومی»

از داگلاس نورث و همکاران، ترجمه جعفر خیر خواهان، رضا مجیدزاده:

کتاب خشونت و نظم های اجتماعی»

و غیره آشنایی داریم؟ به نظر شما چند درصد از ما احساس نیاز می کنیم که با چنین نظریات و مفاهیمی آشنا شویم؟